



# دنیال دنیا دویند نامتنوع

جستاری در بیانات رهبر معظم انقلاب  
پیرامون مفهوم قناعت





- ۲..... پیشگفتار.....
- ۵..... شما میدان را با مجاهدت خود پر کنید!.....
- ۷..... دلدادگی به دنیا، ریشه‌ی همه‌ی گمراهی‌ها.....
- ۱۲..... «قناعت»، از مهمترین فضایل اخلاقی.....
- ۱۴..... مسابقه‌ی اشرافی‌گری.....
- ۱۶..... زن‌ها، نقش‌اول این زمینه‌اند!.....
- ۱۸..... «اسراف»، الگوی زن مسلمان نیست.....
- ۱۹..... همدیگر را بهشتی کنید!.....
- ۲۱..... تشریفات، اخلاقها را فاسد کرده!.....
- ۲۳..... زندگی ساده.....
- ۲۵..... «اسراف»، همان کاری را می‌کند که دشمن می‌خواهد!.....
- ۲۷..... «قناعت»، مقدمه‌ی عدالت اجتماعی!.....
- ۳۰..... «مصرف‌گرایی»، جامعه را از پای درمی‌آورد.....
- ۳۲..... «قناعت»، فریضه‌ای انقلابی و رسمی اسلامی.....
- ۳۵..... همه، خود را موظف بدانند!.....
- ۳۷..... «قناعت»، همان صرفه‌جویی صحیح است.....
- ۳۸..... دام تکلیف!.....
- ۳۹..... ترویج زندگی تجملاتی ممنوع!.....
- ۴۱..... فرهنگ‌سازی به عهده‌ی رسانه‌هاست.....
- ۴۲..... «قناعت» را جدی بگیرید!.....
- ۴۴..... مسئولین الگوی مردم‌اند.....
- ۴۶..... «قناعت» یعنی توقف در حد کفایت.....
- ۴۷..... «قناعت»، ریاضت نیست!.....
- ۴۸..... آنها که لغزیدند.....
- ۴۹..... دعا.....

## پیشگفتار

در زمینه‌ی فرهنگ، اخلاق عمومی و عدم رواج فضائل اخلاقی، مشکلاتی داریم. باید روزبه‌روز فضائل اخلاقی در بین ما رشد کند. صبر ما، شکر ما، ذکر ما، احسان ما، مروت ما نسبت به دیگران، اجتناب ما از ایزاء دیگران، میل ما به خدمت به دیگران، روزبه‌روز باید در بین جامعه رشد پیدا کند. اینها به خودی خود پیش نمی‌آید؛ اینها کار لازم دارد، تلاش لازم دارد. در این زمینه‌ها کوتاهی داریم.<sup>۱</sup> امروز ما محتاج نصیحتیم. برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلیقات خوب، برای اعتلای روحیه‌ی همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه‌ی دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت. اینها را از کی یاد بگیریم؟ پایه‌های اخلاق در کلمات ائمه علیهم‌السلام است، در رفتار ائمه (علیهم‌السلام) است. ما اخلاق را در جامعه رشد بدهیم؛ مردم را به خیرخواهی، به امید، به تعاون، به اخوت، به صبر، به حلم، به شکر، به احسان، به ایثار، به گذشت دعوت کنیم؛ از اخلاق بد، از تنگ‌نظری، از ناامیدی، از بدبینی، از بدخواهی برای این و آن، از حسد، از بخل و بقیه‌ی سیئات اخلاقی، مردم را پرهیز بدهیم.<sup>۲</sup>

صحبت‌های حضرت آقا و تاکیداتشان بر موضوعات اخلاقی، و توجه به این مهم که: «اگر ما شخصاً خودمان صالح باشیم و حکومت نیز صالح باشد، میتوانیم صلاح را در همه جای دنیا و پیش از همه در کشور خودمان گسترش بدهیم؛ ولی اگر ما صالح نبودیم، هیچ اتفاق مثبتی در جهت اهداف به وقوع نخواهد پیوست. هرکس هم

۹۰/۵/۱۶.۱

۹۰/۳/۳.۲

که تلاش کند، بیخود تلاش کرده است. بنابراین، باید من و شما خوب باشیم. خوب بودن هم یک معنای پیچیده‌یی ندارد. یعنی باید متدین و باتقوا باشیم .. و به مال دنیا حرص نزنیم و اهل تجمل و تشریفات و اسراف و بدخواهی نباشیم»<sup>۱</sup> ما را بر آن داشت تا جزوه ای را به موضوعات اخلاقی اختصاص دهیم؛ اما موضوعات بسیار گسترده اند و انتخاب تعدادی از آنها کاری دشوار.

برای انتخاب موضوعات نیز تاکیدات اخیر حضرت آقا در زمینه هایی خاص بهترین راهنمای ما بود؛ جایگاه سبک زندگی و مسائلی که جهادگران به طور روزمره با آنها سروکار دارند. لذا تصمیم گرفتیم تا جزوه به موضوعاتی در این زمینه اختصاص دهیم و از بین موضوعات این زمینه نیز، «قناعت» را انتخاب کردیم زیرا که: «اخلاق‌های رفتاری افراد جامعه؛ مثل .. قناعت یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم. ما در زمینه مصرف دچار بی توجهی هستیم.»<sup>۲</sup>

با توجه به اینکه مرجع محتوای جزوه بیانات مقام رهبری هست، شناخت سیر و منظومه‌ی فکری ایشان حائز اهمیت است. با همین انگیزه کار روی سخنرانی هایی که مستقیماً از لفظ قناعت استفاده کرده بودند، شروع شد، در هر سخنرانی به الفاظ و مفاهیمی برخورد شد که حضرت آقا با توجه به شروط و شرایطی آنها را هم معنای قناعت تعبیر کرده بودند. لذا ممکن است در قسمت هایی از جزوه به مفاهیمی مانند «اصلاح الگوی مصرف»، «اسراف»، «ساده زیستی»، «تجمل‌گرایی» و.. بر خورد شود که در ظاهر مستقلند از معنا و مفهوم قناعت و هرکدام از آنها میتوانند به طور مستقل و مجزا عنوان یک جزوه یا کتاب را به خود اختصاص بدهند اما قطعه ای از پازل قناعت را نیز تکمیل میکنند.

و کلام آخر اینکه به دلیل نحوهٔ ارائه‌ی مطلب در قالب "جزوات" ، هدف پرهیز از طولانی و

۱. ۶۸/۱۱/۹

۲. ۸۳/۹/۱۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما

خسته کننده بودن مطالب بوده لذا در گزینش و انتخاب قسمت هایی از سخنرانی‌ها محدودیت هایی بوجود آمد، اما تلاش بر این بوده که قسمت های "کاربردی" از مطالب حذف نشوند. امیداست که جمع آوری این مجموعه مقدمه ای باشد بر جهادی بودن و جهادی ماندن جهادگران و کمک کند که مسیر رشد و کمال را با کمترین آفت طی شود؛ ان شاءالله.

هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی

## شما میدان را با مجاهدت خود پر کنید!

دوران جهاد اکبر یعنی دورانی که شور و هیجان اولیه انقلاب تا حدود زیادی فرو نشست، ضمناً موفقیت‌هایی هم بدست آمده و چهره راحت زندگی، خود را به بسیاری نشان داده و چرب و شیرین زندگی در دهانهایی مزه کرده است. این، آن دوران خطرناک است. امیرالمؤمنین (ع) در چنین دورانی بود که به حکومت رسید و لذاست که نهج‌البلاغه بیش از هر چیز دیگر سخن از زهد و بی‌اعتنایی به دنیا دارد و غمگنانه باید گفت که حتی «عدل علوی» و «زهد علوی» هم نتوانست موج مخرب دنیاطلبی را در آن دوران مهار کند و در نهایت شد آنچه شد.

ما امروز در این دوران از انقلاب کبیر و عظیم و عمیق خود قرار داریم. البته امتیاز ما به صدر اول در دو نکته، مهم است. نخست: وجود تجربه‌ی آن دوران در برابر ما که برای ما صفحه درس آموزنده و هشداردهنده‌ی است که ای بسا خواهد توانست از آن خطرات مانع شود.

و نکته دوم: کثرت و تراکم دل‌های مؤمن و آگاه با ایمان‌های جوشان و دل‌های پاک و در همه جای این کشور بزرگ است. این دو نکته خواهد توانست ما را از خطر عظیمی که مسلمانان آن دوران ضربه آن را چشیده‌اند و انقلاب‌های بزرگ دنیا در باتلاق آن فرو رفته‌اند نجات بدهد اما به یک شرط! و آن شرط تا حدود زیادی به شما جوانان دانشجوی عزیز ارتباط می‌یابد و آن این است که شما به مدد صفا و پاک‌نهادی و کم‌علاقگی خود به دنیا، میدان را با همه ایمان و مجاهدت خود پر کنید. حضور انقلابی، فعالیت انقلابی، پارسایی انقلابی، طهارت و معصومیت انقلابی، آگاهی و هوشیاری انقلابی، وحدت و یکپارچگی حقیقی، بی‌اعتنایی به انگیزه‌های گروهی و خطی و امثال آن و در نهایت، توکل و تضرع و توسل شما به خدای قادر متعال خواهد توانست خطر این دوران را کم کند و سدی عظیم در مقابل تهاجم دشمنان نیز پدید بیاورد.<sup>۱</sup>

۱. ۷۴/۲/۶ پیام به نشست سالانه‌ی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت)



یک روز نیازِ حرکتِ دفاعی در درون جامعه بود، یک روز نیازِ حرکتِ دفاعی در مرزهای کشور بود، یک روز نیازِ به علم و دانش است، یک روز نیازِ به تحکیم عقاید و ایمانهاست، یک روز نیازِ به خدمتگزاری است؛ در همه‌ی این شرائط، میوه‌های متناسب با فصل در اختیار مردم گذاشته می‌شود. این حرکتِ انقلاب است<sup>۱</sup>..

---

۱. ۸۹/۶/۳۱ بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی

## دلدادگی به دنیا، ریشه‌ی همه‌ی گمراهی‌ها

قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول في ما ناجي الله عزوجل بموسى عليه السلام، «پیداست که پروردگار عالم می‌خواهد عالیترین حقایق و حکمتها را برای پیامبر عظیم الشان و بزرگوار خود بیان کند. «یا موسی لا ترکن الی الدنیا رکن الظالمین». «رکون» به معنای میل قلبی و تکیه روحی است که اگر بخواهیم آن را به فارسی امروز ترجمه کنیم، به نظر میرسد که معنای «دل دادن» مناسبتر باشد. بنابراین می‌شود این طور ترجمه کرد که: «به دنیا دل مده، آن چنان که ستمگران به دنیا دل داده‌اند.» اگر دل دادگی به دنیا نباشد، انسان ستم نمی‌کند و بندگان خدا را مورد آزار قرار نمی‌دهد. ظلم کردن نهایت میل و رغبت به دنیا را می‌رساند.

«و رکون من اتخذها ابا و اما». کسانی که دنیا را پدر و مادر خود اتخاذ کرده‌اند- یعنی همه فکرشان دنیاست و جز به دنیا به چیز دیگری نمی‌اندیشند و تمایل و رغبت نشان نمی‌دهند مثل کودکی هستند که به پدر و مادرش پناه می‌برد و جز به آنها به چیز دیگری نمی‌اندیشد. «یا موسی لو وکلتک الی نفسک لتنظرلها اذن لعلب علیک حب الدنیا و زهرتها». «لتنظرلها» با «لتنظر الیها» فرق دارد. نگاه کردن به دنیا کار مذمومی نیست؛ به دنیا اندیشیدن مذموم است. ای موسی! اگر من تو را به حال خود می‌گذاشتم که به دنیا بیندیشی، آن گاه دوستی و زیباییهای دنیا بر تو غلبه پیدا می‌کرد.

در این حدیث و احادیث مشابه، مراد از دنیا زمین و متعلقات آن و آبادانی و پرداختن به امور مردم و امثال این کارها نیست؛ بلکه جلوه‌هایی از دنیا (مال و جاه و مقام) مورد نظر است که انسان آنها را برای خود می‌خواهد. بنابراین هر آنچه از نعم الهی در روی زمین و زیباییها و لذتها و تعیشها که به نفس انسان بر میگردد و برای خود می‌خواهد، در تعبیرات حدیثی «دنیا» تلقی می‌شود و مذموم است. پیداست که هر چه انسان بیشتر به دنیا بیندیشد و بپردازد، رغبت و شوق او بیشتر می‌شود و وقتی که از دنیا رو برگرداند، بتدریج محبت دنیا هم از دل او کاسته می‌شود. مراد این روایت و امثال آن، این نیست که انسان فعالیت و تلاش در زندگی را رها کند و برود گوشه خانه بنشیند. برخی این گونه خیال کردند و سالها - بلکه بعضیها قرن‌ها - رویه غلطی را که منجر به انزعال و انزوا و دوری از فعالیتها و تلاشهای

زندگی شده است، در پیش گرفتند و آن را به اسلام نسبت دادند. بنابراین مراد از دنیا، این برداشت غلط نیست<sup>۱</sup>.

«یا موسی نَافَسِ فِی الْخَیْرِ اَهْلِهِ وَاسْتَبْقِهِمْ اِلَیْهِ». در کار خیر با اهلش منافست کن. منافست یعنی حالت رغبتِ رقابتِ آلودی که انسان به چیزی پیدا می‌کند. «وَاسْتَبْقِهِمْ اِلَیْهِ»، یعنی به سوی خیر از همه اهل آن سبقت بجو. «فان الخیر کاسمه» «خیر» مثل اسم خودش نیکو و پسندیده است. **ظاهراً مراد کارهای نیک و عمومی و احسان به مؤمنین و کمک به برادران و اتحاد و عبادت پروردگار و زهد در دنیا و دیگر صفات خوب است. ..**

«و اترک من الدنیا ما بک الغنی عنه» آن چیزی از دنیا که به آن نیاز نداری و جزو حاجات تو نیست و زیادی است، ترک کن.

.. واقعه هم همین است. به دنیا که نگاه می‌کنیم، میبینیم که در طول تاریخ ریشه همه فتنه‌ها و گمراهیها و جاهایی که حقّ و باطل به هم مخلوط شده است، در **حُبّ دنیا**ست. کسانی بوده‌اند که به خاطر حبّ به دنیا و مقام و جاه و حبّ به اهل و رفقا، کاری را شروع کرده‌اند و فتنه‌ای را به وجود آورده‌اند. واقعاً این موضوع یکی از آن حکم عجیب است. هر جای دنیا که نگاه می‌کنید، میبینید که همین گونه است.

«ولا تغبط احداً بکثرة المال». به کسانی که مال زیاد دارند غبطه نخور. این از آن دردهای مبتلا به ماست که کم و بیش در زندگی بعضی افراد ضعیف النفوس جریان دارد و آنها به خاطر خانه‌های عالی و تجملات فراوان و مراکب زیاد غبطه می‌خورند! «فان مع کثرة المال تکثر الذنوب کواجب الحقوق». مال که زیاد شد، حقوق هم زیاد می‌شود و به همین خاطر گناهان هم زیاد می‌شوند. معلوم می‌شود که وقتی حقوق زیاد شد، انسان نمی‌تواند آن را ادا کند، و الاً اگر میتوانست ادا کند،

<sup>۱</sup> «علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن ابن محبوب، عن بعض اصحابه، عن ابن ابی یعفر، قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: فیما نأجی الله عزوجل هموسی علیه السلام: یا موسی لاترکن الی الدنیا رکون الظالمین و رکون من اتخذها اُبا و اما. یا موسی لو و کلک الی نفسک لتنظرلها اذا لغلب علیک حب الدنیا و زهرتها. یا موسی نَافَسِ فِی الْخَیْرِ اَهْلِهِ وَاسْتَبْقِهِمْ اِلَیْهِ، فان الخیر کاسمه و اترک من الدنیا ما بک الغنی عنه و لاتنظر عنیک الی کل مفتون بها و موکل الی نفسه: و اعلم ان کل فتنه بدؤها حب الدنیا و لاتغبط احدا بکثرة المال، فان مع کثرة المال تکثر الذنوب لواجب الحقوق، و لاتغبطن احدا برضی الناس عنه، حتی تعلم أن الله راض عنه و لا تغبطن مخلوقا بطاعة الناس له، فان طاعة الناس له و اتباعهم ایاه علی غیر الحق هلاک له و لمن اتبعه»

گناهی در کار نبود. این در صورتی است که مال از حلال کسب شده باشد. اگر از حرام بود، شکل بدتری خواهد داشت. البته یک احتمال هم وجود دارد و آن این است که اشاره حدیث به کثرت مال از طریق حرام باشد؛ یعنی انسان وقتی که مالی کسب می‌کند که از طریق حلال نیست، حقوق زیادی را باید پامال کرده باشد تا مال زیادی به دست آورد. «ولا تقبطن احدا برضی الناس عنه». به حال کسی که مردم از او راضیند یا به او محبت دارند، غبطه نخور. «حتی تعلم أن الله راض عنه». اگر خدا از کسی راضی است، به حال او غبطه بخور؛ اما اگر مردم به کسی محبت دارند و برای او شعار می‌دهند و دور او جمع می‌شوند و به او تحبب و تقرب می‌کنند، به حال او غبطه نخور. شما چه میدانید؛ شاید خدای نکرده در باطن او خلل و فساد و عیبی باشد که خدا را از او ناراضی می‌کند. آن وقت رضای مردم به درد او نمی‌خورد. واقعاً رضای مردم - اگر واقعی هم باشد - چه فایده‌ای دارد؟ ..

اگر این روایت اصلاً سند هم نمی‌داشت، حکمتهای عالی آن که هیچ شک و ریبی در آن نیست، برای ما راهگشا بود. **این دستورالعملها معارف الهی و اسلامی هستند و جا دارد که به آنها تمسک کنیم.** علت آن که این روایت را انتخاب کردم، این است که امروز جامعه ما در شرایطی قرار گرفته است که بایستی برایش روایات زهد خوانند. در نهج البلاغه از زهد زیاد گفته شده است؛ اما نشان دهنده این نیست که زهد عالیترین تکالیف انسان است؛ خیر. در جاهایی زهد بالاتر است و در جاهای دیگر جهاد و عبادت و تحصیل علم بالاتر است. موقعیت زمان را نشان می‌دهد و به نظر ما امروز زمانی است که بایستی جامعه را به زهد فرا بخوانیم؛ زیرا به سمت تمول پیش میرود و ثروت در کشور رو به ازدیاد است و جایی است که چنانچه کسانی اهل دنیا باشند، میتوانند ثروت را از طرق مختلف به دست آورند و آن را «علی غیر حلّه» کسب و خرج کنند و اگر جمع‌آوری ثروت از طریق حلال هم باشد، مفتون دنیا و دچار عاقبتهای سوء افتنان شوند.<sup>۱</sup>

یک دسته از بیانات اسلامی و معارفی ما هم، دنیا را رأس خطایا و ریشه‌ی گناهان به حساب می‌آورد. خلاصه‌ی مطلب این است که خدای متعال این سفره‌ی طبیعت را برای افراد انسان گسترده است و همه‌ی آحاد انسان را سفارش کرده است، دستور داده است که این مائده‌ی طبیعی الهی را

۱. ۷۴/۶/۱۴ بیانات در آغاز درس خارج فقه

هرچه میتوانند بالفعل تر، آماده تر، رنگین تر در اختیار افراد بشر قرار بدهند و خودشان هم بهره ببرند؛ **لکن یک حدود و ضوابط و قواعدی بر این حاکم است؛ یک منطقی ممنوعه‌ای وجود دارد.** دنیای ممدوح این است که انسان این سفره‌ی طبیعی الهی، این موهبت الهی را آنچنانی که ضوابط و قواعد الهی دستور داده است، بر طبق او رفتار کند، از حدود و ضوابط تخطی نکند، در مناطق ممنوعه قدم نگذارد. دنیای مذموم آن است که انسان این متاعی را که خدای متعال برای افراد بشر قرار داده است، برای خود بخواهد، سهم خود را افزونتر از دیگران بخواهد، به سهم دیگران دست‌اندازی کند، دلبستگی پیدا کند که این دلبستگی به مقتضای حبّ الشّیء یعمی و یصمّ، انسان را کر و کور می‌کند، تا آنجا که در راه به دست آوردن چیزی که عاشق و دلبسته‌ی آن هست، هیچ خط قرمزی و هیچ حد و حدودی را رعایت نمی‌کند؛ این می‌شود دنیای مذموم. دلبستن به دنیا، سهم‌خواهی بیش از اندازه‌ی خود، بیش از حق خود، دست‌اندازی به سهم دیگران، تجاوز به حقوق دیگران؛ این می‌شود آن دنیای مذموم. مال، دنیاست؛ مقام، دنیاست؛ قدرت، دنیاست؛ محبوبیت، دنیاست؛ نعم دنیا، لذت طبیعی، اینها همه دنیاست. اسلام و ادیان الهی به طور کلی بهره‌برداری از این دنیا را برای انسان مباح قرار دادند؛ اما دست‌اندازی به حق دیگران، به هم زدن قواعد و قوانین این عالم طبیعت، ظلم کردن به دیگران، خود را غرق در این متاع دنیا کردن و از هدف اصلی و نهائی غافل ماندن را ممنوع دانسته‌اند؛ مذموم دانسته‌اند. این دنیا وسیله‌ی تعالی و تکامل است، هدف نباید قرار بگیرد؛ به اینکه توجه نشد، این دنیا می‌شود مذموم.<sup>۱</sup>

بنده نمی‌خواهم کسی را به زهد علوی دعوت کنم؛ زهد علوی بزرگتر از دهن و ذهن ماست.. اما به قناعت و به اینکه **نگذارید زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی به سمت شما هجوم آورد، دعوت می‌کنم.** اینها مراقبت می‌خواهد. راحت‌طلبی، رفاه‌طلبی و عیش‌طلبی، چیزهایی است که بتدریج در انسان اثر بد می‌گذارد و خود انسان هم اول نمی‌فهمد. یک وقت می‌خواهد حرکت کند، میبیند نمی‌تواند؛ می‌خواهد پرواز کند، میبیند نمی‌تواند. مراقب باشید مجموعه را حفظ کنید؛ ذهنها و دلها و فکرها و ایمانها را مورد پاسداری دقیق قرار دهید؛ این سفارش همیشگی من است. بدانید در این صورت، هیچ عامل و نیرویی زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند بر شما غلبه کند. حرفهایی که میزنند، لشکر کشیها و تهدیدهایی که می‌کنند، چیزهایی نیست که بتواند یک ملت مؤمن را -

۱. ۸۷/۶/۲۹ خطبه‌های نماز جمعه تهران

که در میان خود، چنین مجموعه‌هایی پولادین دارد - به عقب‌نشینی وادار کند و آن را شکست دهد. تأثیر سلاح مخرب، معلوم است؛ اما هیچ شکستی برای یک ملت از این طریق به وجود نمی‌آید. شکستها اول در دلها به وجود می‌آید و آن است که انسانها را منهزم می‌کند.<sup>۱</sup>

---

۱. ۲۴/۰۶/۱۳۸۱ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه

## «قناعت»، از مهمترین فضایل اخلاقی

هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آنهاست؛ یعنی در واقع سازه‌ی اصلی برای یک اجتماع، شاکله‌ی اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد. ما باید به اخلاق خیلی اهمیت بدهیم.. اخلاق‌های رفتاری افراد جامعه؛ مثل انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حق دیگران - این‌که دیگران حقی دارند و باید حق آنها رعایت شود، یکی از خلیات و فضایل بسیار مهم است - کرامت انسان، احساس مسئولیت، اعتماد به نفس ملی، شجاعت شخصی و شجاعت ملی، قناعت - یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم. ما در زمینه مصرف دچار بی توجهی هستیم.<sup>۱</sup>

ما در زمینه‌ی مصرف، در زمینه‌ی هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله‌ی خود ما و به وسیله‌ی همه‌ی برادران هم‌میهن ما و به وسیله‌ی مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می‌آید، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص. ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم؛ .. بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه‌ی زمینه‌ها - چه در زمینه‌ی مسائل شخصی، و چه تا حدودی در زمینه‌های عمومی - صرف اسرافها و زیاده‌روی‌های ما در مصرف می‌شود. ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه‌ی عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد. کار به جایی میرسد که منابع کشور به هدر می‌رود، شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می‌شود، عده‌ای در حسرت اولیات زندگی میمانند و عده‌ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می‌دهند.

۱. ۸۳/۹/۱۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه‌ی اول و اشخاص و شخصیتها در رتبه‌های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. اینجور مصرف کردن در همه‌ی زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیاده‌های زندگی - مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست.<sup>۱</sup>



## مسابقه‌ی اشرافی‌گری

ما در یک واقعیاتی داریم زندگی می‌کنیم؛ این واقعیات چقدر برای رسیدن به این هدفها کمک بود یا مزاحمت بود؟ یقیناً اگر مزاحمهایی که حالا می‌شمارم، وجود نداشت، رسیدن به این هدف، زمان زیادی نمی‌خواست. شاید در طول پنج سال، ده سال یک گروه متشکل قوی میتوانستند این اهداف را برآورده کنند؛ منتها در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی میبخشد و اسمش می‌شود جهاد؛ و الا اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع.

این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسانها وجود دارد؛ اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعفهاست؛ ضعفهای فکری است، ضعفهای عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. مثل این مصرف‌گرایی و اسراف این جزو میراثهای ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم. ما ملت ایران باید این جامه‌ی ناساز بیاندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد. خوب، اینها عوامل درونی بود.

..امروز بدون تردید همه‌ی آن صف‌آرائیهائی که روز اول علیه این انقلاب بود، وجود دارد؛ بعضی شکل عوض کرده، بعضی صف‌آرائیها هم بمرور زمان اضافه شده است. امروز متأسفانه مصرف‌گرایی و مسابقه‌ی تجمل‌پرستی و مسابقه‌ی پول درآوردن و تلاش برای پول کردن، یک طبقه‌ی جدیدی درست کرده. نظام اسلامی با تولید ثروت مخالف نیست، با ایجاد ثروت مخالف نیست، بلکه مشوق اوست. اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد؛ این یک اصل اسلامی است. اما اینی که **احاد مردم دلشان لک بزند برای مسابقه‌ی اشرافی‌گری، برای تجمل‌پرستی، این**

یک چیز بسیار نامطلوب است؛ این چیزی است که متأسفانه در درون ما هست:  
اسراف و مصرف‌گرایی افراطی<sup>۱</sup>.

## زن‌ها، نقش اول این زمینه‌اند!

زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها؛ و لو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگویش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیهماالسلام) باشد، این است: <sup>۱</sup> دختر پیغمبر ذره‌ای از لذتهای دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زنها متوجه آنهاست، به خود راه نمی‌دهد. <sup>۲</sup>

اگر زن به فکر تجملات و خوش گذرانی‌ها و هوسهای زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمی‌تواند آن راه را برود؛ باید این وابستگیها را که مثل تار عنکبوت بر پای یک انسان رهروست، از خود دور کند، تا بتواند آن راه را برود؛ کمالینکه زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همهی دوران انقلاب همین کار را بکند. <sup>۳</sup>

.. به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ <sup>۴</sup> البته این خطر برای مردان هم هست؛ منتها در زنان بیشتر و امکانش زیادتر است. وانگهی در این قضیه، در موارد بسیاری، مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند. شماها واقعاً باید با این قضیه مبارزه کنید؛ خودتان هم مراقبت نمایید. <sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> ۷۰/۸/۲۲ بیانات در دیدار جمعی از پرستاران

<sup>۲</sup> ۷۱/۹/۲۵ بیانات در دیدار جمعی از زنان

<sup>۳</sup> ۷۰/۸/۲۲ بیانات در دیدار جمعی از پرستاران

<sup>۴</sup> ۷۰/۸/۲۲ بیانات در دیدار جمعی از پرستاران

<sup>۵</sup> ۱۳۷۰/۱۰/۰۴ دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان

زنان جوان در جامعه‌ی ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند؛ از آن پرهیز کنند و جامعه‌ی زنان را از آن جدا و برحذر بدارند.<sup>۱</sup>

متأسفانه باز این چیزها- آن طور که شنیده می‌شود- در جامعه‌ی ما دارد رشد می‌کند. **زنان اندیشمند و با فکر و با معرفت جامعه‌ی ما باید این را خطر بدانند. نباید زنان به سمت تجمل‌گرایی سوق پیدا کنند.** .. من با تظاهر به تجمل و تجمل‌گرایی در حد معتدل کم ناگزیرش مخالفتی نمی‌کنم؛ لیکن اگر بنا شد که روند افراطی پیدا کند، چیز بسیار مزخرفی است. در لباس، در آرایش، در زر و زیورها و طلا و جواهرات، خانمها بایستی خیلی اهمیت بدهند که امساک بشود و بیاعتنایی به این چیزها انجام بگیرد، تا شاید ان‌شاءالله به درخشندگیها و زیباییهای واقعیتر بیشتر توجه بشود، تا به این زیباییهای ظاهری.<sup>۲</sup>

**مبادا** چنان که در افراد سطحی و غافل دیده شده است **نسل انقلابی و زنان مؤمن دوباره روی به مصرف و تجمل‌های پوچ و گرایش‌های غیر انقلابی بیاورند** یا رسم جاهلی اختلاط بی پروا را دوباره زنده کنند<sup>۳</sup>... امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاکترین و با ایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زیورآلات هستند و یا کورکورانه و چشم بسته می‌خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند. **کسی که معلومات داشته باشد، میتواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد.**<sup>۴</sup> **صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می‌آورد. نقش زنان در این مورد، جزو نقش‌های برجسته و شاید نقش اول است.**<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> ۱۳۶۹/۱۰/۱۶ دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان

<sup>۲</sup> ۱۳۷۰/۱۰/۰۴ دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان

<sup>۳</sup> سید علی خامنه‌ای ۶۸/۸/۳

<sup>۴</sup> ۷۵/۶/۲۸ بیانات در جمع زنان شهر ارومیه

<sup>۵</sup> ۷۰/۸/۲۲ بیانات در دیدار جمعی از پرستاران

## «اسراف»، الگوی زن مسلمان نیست

سراغ این مصرف‌گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و از جمله جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به پیشرفت و از جمله کشور ما انداخته است، نروید. **مصرف باید در حد لازم باشد، نه در حد اسراف.** خانم‌های کسانی که همسرانشان یا خودشان مسئولیت‌هایی در بخش‌های مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان دهند که **شأن زن مسلمان بالاتر از این حرف‌هاست که اسبیر زر و زیور و جواهر آلات و از این قبیل شود.** نمی‌خواهیم بگوییم این‌ها حرام است؛ می‌خواهیم بگوییم شأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه‌ی ما محتاج کمک‌اند، کسانی بروند پول بدهند طلا بخرند، زینت‌آلات بخرند، وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روش‌ها و منش‌های زندگی، اسراف کنند.

اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.<sup>۱</sup>

۱. ۱۳۷۱/۰۹/۲۵ دیدار با گروهی از زنان، به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن

## همدیگر را بهشتی کنید!

تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشیهایش بی‌اطلاعند؛ نه، کار مضر برای جامعه است؛ مثل یک دارو یا یک خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان می‌کند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین‌طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگری می‌رود؛ و این برای جامعه مضر است. حالا چنانچه ما آن کار مضر را در عرصه‌ی ازدواج بیاوریم و بخواهیم از آن استفاده کنیم، این دیگر غلطاندر غلط خواهد شد؛ بسیار بد است.<sup>۱</sup>

در همه‌ی امورِ زندگیتان سادگی را رعایت کنید. اولش هم از همین مراسم ازدواج است، از این جا شروع می‌شود. اگر ساده برگزار کردید، قدم بعدی‌اش هم می‌شود ساده و آلا شما که رفتید آن مجلس کذایی مثل اعیان و اشرافهای زمان طاغوت را درست کردید، بعد دیگر نمی‌توانید بروید توی خانه‌ی کوچکی مثلاً با وسایل مختصری زندگی کنید. این جور نمی‌شود دیگر. چون خراب شده و از دست رفته است. از اول، زندگی را پایه‌اش را بر اساس سادگی و ساده زیستی بگذارید تا زندگی بر خودتان، بر کسانتان و بر مردم جامعه ان شاء الله آسان شود.<sup>۲</sup>

<sup>۳</sup> خوشبختی عبارتست از آرامش، احساس سعادت و احساس امنیت.<sup>۴</sup> جشن و اسراف و زیاده‌روی، کسی را خوشبخت نمی‌کند. مهریه و جهیزیه هم کسی را خوشبخت نمی‌کند. پای بندی به روش شرع است که انسان را خوشبخت و سعادتمند می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. ۷۰/۴/۲۰ عروسی‌های طاغوتی

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۶/۱۳

۳. ۷۰/۴/۲۰ عروسی‌های طاغوتی

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۳/۳۰

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰

عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم برای دختر مکرمه‌ی خودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زن‌ها دست زدند و خوشی کردند. اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و اینها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسراف‌ها همین مجالس عقد و عروسی گران‌قیمت است. در این روزگار که فقرایی در جامعه هستند، کسانی هستند که اولیات زندگی هم درست در اختیارشان نیست، این کارها اسراف است، زیادی است، بیخود است. هر کس بکند خلاف است<sup>۱</sup>. سالن‌های آن‌چنانی یا توی هتل‌ها، خرج‌های زیاد، جنس‌های گران برای مهمانی، اینها هیچ مناسب نیست. نمی‌گویم ازدواج را باطل می‌کند، نه! ازدواج درست است. اما اینها محیط جامعه و محیط زندگی را تلخ می‌کند<sup>۲</sup>.

بعضی از مردم با این کاری که می‌شود با آن ثواب برد، گناه می‌برند. با اسراف‌هایی که می‌کنند، با خلاف‌هایی که انجام می‌دهند، با آمیختن این عمل حسن و حسنه به کارهای حرامی که انجام می‌دهند. حرام همه‌اش هم این نیست که محرم و نامحرم و این چیزها باشد. آنها هم البته حرام است، اما ریخت و پاش زیادی هم حرام است. اسراف حرام است. سوزاندن دل مردمی که ندارند در مواردی واقعاً حرام است. زیاده‌روی کردن، حرام و حلال کردن برای این که بتواند جهیزیه‌ی دخترش را فراهم کند، اینها حرام است<sup>۳</sup>.

۱. خطبه‌ی عقد ۱۳۷۲/۶/۱۱

۲. خطبه‌ی عقد ۱۳۷۷/۹/۱۲

۳. خطبه‌ی عقد ۱۳۷۶/۱۱/۹

## تشریفات، اخلاقها را فاسد کرده!

اگر دختر و پسر اهل قناعت و ساده زیستی باشند، بزرگترها هم مجبور می‌شوند از آنها تبعیت کنند.<sup>۱</sup> متأسفانه این پرداختن به تشریفات ازدواج و مهریه‌های گران و جهیزیه‌های سنگین و مجالس آنچنانی خیلی اخلاقها را فاسد کرده است! شما دخترها و پسرها که عروس و داماد می‌شوید، پیشقدم شوید. بگویید ما این جوری نمی‌خواهیم، به این زیادی نمی‌خواهیم. وقتی جامعه مشکل دارد وقتی در جامعه فقیر هست باید انسان ملاحظه کند.<sup>۲</sup> ما به دخترها و پسرها سفارش می‌کنیم اصرار نکنید. زیاده نخواهید. پدر و مادرها را زیر فشار قرار ندهید تا در رو در بایستی بمانند ... این چیزها را بریزید دور. اصل، یک حادثه انسانی است. آن چیست؟ زناشویی، انسانی‌ترین کارهای دنیاست. این را مادی و پولی نکنید، آلوده‌اش نکنید.<sup>۳</sup>

بعضیها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند. مثلاً می‌گویند که جهیزیه‌ی ما این چیزها را داشت؛ آیا جهیزیه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! یا مثلاً می‌گویند که ما عقدمان را در فلان سالن گرفتیم. .. این که ما این جا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط‌اندر غلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادیات می‌کند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافسها و زیاده‌رویها می‌کند، بعد هم این دختر و پسر از اول عادت می‌کنند که بایستی زندگی آنان بر تجمل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ بگذارید از اول به یک زندگی متوسط عادت کنند.<sup>۴</sup>

مبادا بروید پول قرض کنید، جهیزیه درست کنید. مبادا خودتان را به زحمت بیندازید. مبادا خانواده‌تان را به زحمت بیندازید. مبادا خیال کنید که دخترتان اگر جهیزیه‌اش کمتر از دختر همسایه و قوم و خویش بود، این سرشکستگی است.<sup>۵</sup> این کارها جز این که یک عده جوان را، یک

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۹/۲۸

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۹/۱۴

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۱۱/۸

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۲۰/۰۴/۱۳۷۰

۵. خطبه‌ی عقد ۲۹/۳/۱۳۸۱



عده دختر را حسرت به دل کند و زندگی را بر این‌ها تلخ نماید، اگر نتوانستند آن‌ها هم عروسی بگیرند تا ابد حسرت به دل بمانند یا اصلاً نتوانند عروسی بگیرند. چیز دیگری نیست... تا آمدند دخترش را بگیرند، چون دستش خالی است، این دختر بماند توی خانه. این پسر دانشجو یا کارگر یا کاسب ضعیف، همین‌طور غیر متأهل بماند.<sup>۱</sup> اینها زوایای زندگی است. فضول زندگی است و جز دردسر و اسباب زحمت و اسباب مشکل فایده‌ای ندارد.<sup>۲</sup>

---

۱. خطبه‌ی عقد ۲۳/۹/۱۳۷۳

۲. خطبه‌ی عقد ۱۸/۹/۱۳۷۵

## زندگی ساده ..

یکی از موجبات سعادت خانواده‌ها و اشخاص، این است که تقیّدات زاید و تجمّلات زیادی و پرداختن بیش از اندازه‌ی لازم به امور مادی، از زندگیها دور شود. لاقلاً بخش اصلی زندگی محسوب نشود. یک چیز حاشیه‌ای، یک کنار باشد. زندگی را از اوّل باید ساده برداشت و محیط زندگی را باید محیط قابل تحمّلی کرد.<sup>۱</sup>

اول زندگی را ساده بردارید، هر چه می‌توانید در این جهت سعی کنید. البته، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سخت‌گیرهای تنگ‌نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به یک حدی قانع باشند.<sup>۲</sup> **ساده زندگی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد.** آسایش هم که اصلاً در سایه ساده زندگی کردن است.<sup>۳</sup> البته ما خیلی هم اهل زهد و تقوا نیستیم. خیال نکنید. آن سادگی که ما می‌گوییم، آن سادگی زُهاد و عبّاد و اینها نیست. سادگی به نسبت این کارهایی است که مردم امروز می‌کنند. و آلاً نه، سادگی ما را اگر چنانچه آن مردان خدا بیابند نگاه کنند شاید هزار تا ایراد هم به آنچه که ما سادگی می‌دانیم بگیرند.<sup>۴</sup>

زندگیتان را بر پایه‌ی اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آن طوری که خدای متعال می‌پسندد قرار دهید و از طیبّات الهی بهره‌مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه‌روی و هم عدالت. یعنی ملاحظه‌ی انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطوری‌اند. **خیلی بین خودتان و دیگران فاصله درست نکنید.**<sup>۵</sup> **خودتان را اسیر تشریفات نکنید.** اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رها شدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند می‌تواند. یک روزی بود که نمی‌شد،

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۸

۲. ۷۷/۹/۱۲

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۴/۱۸

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۸

سخت بود. اگر چه بعضی به دست خودشان مشکل می‌کنند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجملاتشان، همه را بر خودشان سخت می‌کنند.<sup>۱</sup>

زن و شوهر کوشش کنند یکدیگر را به راه خدا هدایت کنند. یکدیگر را در راه مستقیم نگه دارند و حفظ کنند. این «تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر» [۱] را که خاصیت مسلمانی است و مهمترین خصوصیت ایمان است، مدنظر داشته باشند.<sup>۲</sup> هر دو به یکدیگر نسبت به دیندار بودنشان و رعایت تقوی کمک کنند. در راه اسلام یکدیگر را ثابت قدم بدارند، همدیگر را توصیه به تقوی و صبر و توصیه به دینداری، توصیه به عفاف، توصیه به قناعت، توصیه به ساده زیستی و ... کنند.<sup>۳</sup>

۱. خطبه عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۰/۱۳

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۸

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۲/۱۳

## «اسراف»، همان کاری را می‌کند که دشمن می‌خواهد!

امروز نظامی که مدعی رهبری دنیاست - که در رأسش هم امریکاست - جز ظلم، خونریزی، خشونت‌های بی‌نظیر، تضییع حقوق و تبعیض، چیز دیگری از خود نشان نمی‌دهد و نمی‌تواند اطمینانی در دل کسی به وجود آورد؛ بنابراین استدلالی ندارند. با تبلیغات، با خریدن اشخاص و با شیرین کردن دهن این و آن، سعی می‌کنند در درون کالبد نظام اسلامی اختلال ایجاد کنند. باید مراقب این بود. نه تنها شما، بلکه همه ما باید مراقب این خطر باشیم. هر کس در درجه اول باید مراقب دل خود و سپس مراقب دل مجموعه و مرتبطان به خود باشد. دل‌های سرشار از ایمان و معرفت و روشن‌بینی، هرگز مغلوب و مرعوب نمی‌شوند. برای مرعوب شدن، مغلوب شدن، تسلیم‌شدن و وادادگی، اول باید در دلها تردید ایجاد کرد. این تردیدها همیشه از راه مغز وارد نمی‌شود؛ گاهی از راه جسم هم وارد می‌شود. خواسته‌ها و هوسهای جسمانی، میل به پول، مال‌فتنه‌انگیز، جاه‌طلبی، مقام‌طلبی، راحت‌طلبی، عیش‌طلبی و تجمل‌طلبی چیزهایی است که تردید را از طریق جسم و شهوات، وارد دل و مغز انسان می‌کند. مراقب اینها باشید.<sup>۱</sup>

عزیزان من! این اسراف همان کاری را با کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد! او از آن طرف به وسیله نفت، به وسیله تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه‌ها بر ملت ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه‌ی او را تکمیل می‌کنیم!<sup>۲</sup>

نه این که مردم یا انقلابیون نباید زندگی کنند! نعمت و برکات خدا، مال همه است و همه باید از آنها استفاده کنند. اما پرداختن به دنیا و شهوات؛ پرداختن به مال و مال اندوزی؛ پرداختن به خود بیش از پرداختن و اندیشیدن به جمع و هدف و خدا و دین خدا؛ دچار شدن به فساد اخلاقی و جاه‌طلبیهای غلط و نامشروع، آن چنان که در دنیای غرب مطرح است، عواملی هستند که کاخ آرمانی انقلاب و اسلام و هر حقیقتی

<sup>۱</sup> ۸۱/۶/۲۴ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه  
<sup>۲</sup> ۰۷/۰۱/۱۳۸۹ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

را ویران می‌کنند. بناهای جدیدی ساخته خواهد شد؛ اما بناهای طاغوتی، غیر خدایی، بناهای ضدّ اسلامی و ضدّ ارزشهایی که به‌خاطر آنها خون شهدای ما ریخته شد. و این یعنی همان رجعت و برگشت، که دشمن منتظر آن است<sup>۱</sup>.

---

۱. ۷۳/۱۰/۱۵ بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

## «قناعت»، مقدمه‌ی عدالت اجتماعی!

جامعه ما، به برکت انقلاب، اخلاقش به سمت اخلاق الهی، گردش قابل توجهی کرد؛ اگرچه این گردش کامل نیست و باید باز هم ادامه پیدا کند. مواظب باشید که این حرکت به سمت اخلاق اسلامی، ادامه پیدا کند. اگر این‌گونه شود، جامعه ما از عدالت اجتماعی برخوردار خواهد شد.

عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده آن مربوط به مقررات و قوانین جامعه است. اما مقررات و قوانین، بدون این که افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست. امروز در جامعه ما، هستند کسانی که درآمدهای زیادی دارند. حال یا تخصص آنها تخصص مورد نیازی است، یا افراد کمی آن تخصص را دارند. به هر جهت و به هر دلیل، درآمدهای زیادی دارند. آیا این همه درآمد را باید صرف خودشان کنند؟ این اخلاق مادی است. این اخلاق شیطانی است. به تعبیر درست‌تر، این اخلاق حیوانی است. حیوان هرچه دارد، مال شخص خودش است. اخلاق انسانی و بخصوص آن اخلاق والای اسلامی، این طور حکم نمیکنند. آنچه شما دارید، باید پس از آن که نیاز ضروری خودتان را تأمین کردید و خواسته‌های خودتان را عمل نمودید، برای بقیه انسانهایی که در آن جامعه هستند صرف شود. همسایه شما اگر نیازی دارد، صرف او شود. خویشاوند شما اگر نیازی دارد، صرف او شود. فرض کنید امروز در جامعه ما، مدرسه‌سازی یک مسأله مهم است. ساختن فضاهای آموزشی، یا همین رسیدگی به عقب‌افتاده‌ها و معلولین جسمی و ذهنی، یک کار مهم است. کسانی که امکان مالی دارند، بسیار شایسته است و از لحاظ اخلاقی یک فریضه است که بخشی از ثروت خودشان را برای اینها صرف کنند. این، همان دگرگونی اخلاقی است. اگر اخلاق در جامعه تأمین شد، عدالت اجتماعی تأمین میشود؛ جامعه آباد میشود و انسانها در بهشت زندگی میکنند؛ ولو در همین دنیا.<sup>۱</sup>

اگر جامعه‌ای بخواهد قناعت و صرفه‌جویی را عمل کند، باید متوجه باشد که در شکل کلی به عدالت اجتماعی و مسأله‌ی عدالت پرداخته شود.<sup>۱</sup> کارهایی نظیر سفرهای بیهوده، تجمل‌گرایی و حقوق‌های گزاف، خلاف عدالت است و باید از آنها پرهیز کرد.<sup>۲</sup> کسانی هستند که حتی در کارهای تفریحی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. مثلاً به خارج از کشور مسافرت می‌کنند. چرا؟! فرض کنید خانواده‌ای هستند که مایلند مسافرتی بکنند، تفریح و تفریحی بکنند؛ چرا به خارج از کشور می‌روند و تفریح می‌کنند؟! در این کشور به این بزرگی، خیلها همین تفریح و تفریح را هم نمی‌توانند بکنند. بعضیها تا دستشان به دهانشان می‌رسد، برای تفریح و تفریح خودشان یا خانواده‌هایشان، به فلان کشور خارجی می‌روند. اینها اسراف قطعی است؛ **اینها همان اسراف است که حرام است.** زیاده‌روی یعنی این. زیاده‌روی، وقت به وقت و زمان به زمان تفاوت می‌کند؛ در امر لباس، در امر مسائل زندگی، در اتومبیل‌های گرانقیمت. پس، خطاب اول ما به کسانی است که متمکّنند و امکاناتی دارند و میتوانند خرج کنند. به آنها عرض می‌کنیم که کمتر خرج کنید؛ ملاحظه کنید و اسراف نکنید.

. مصرف بی‌رویه و زیاد، قاعدتاً از سوی قشرهای مرفه انجام می‌گیرد؛ چون قشرهای ضعیف قادر نیستند که زیاد مصرف کنند. مصرفی که از سوی یک قشر انجام می‌گیرد، به زیان کشور است. یعنی هم زیان اقتصادی، هم زیان اجتماعی و هم زیان روانی و اخلاقی دارد. مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده‌روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است. **امروز بسیاری از قشرهای مردم و خانواده‌ها دچار مشکل و زحمتند و هنوز اثرات و ثمرات بازسازی کشور، خودش را به‌طور کامل نشان نداده و خیرات و برکاتش به همه نرسیده‌است.** اندازه عبارت است از این که انسان خودش را هر چه می‌تواند به این قشرها نزدیک کند. مسئولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضایی و سایرین، بخصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند.<sup>۳</sup>

۱. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۶/۱۰/۱۰

۲. ۱۹/۱۲/۱۳۸۱

۳. ۷۱/۱/۱ پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال ۱۳۷۱ هجری شمسی

خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. **خدای متعال از جامعه فقیر خشنود نیست و از جامعه مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی‌آید.** خدای متعال، برای یک جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما در عین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله زیاد و دره عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. **این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروتهای افسانه‌ای درست کنند.** این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تأمین عدالت اجتماعی در جامعه، شکل افسانه‌واری به خود خواهد گرفت. دیگر نمی‌شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت.<sup>۱</sup>

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، .. مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجیها و تزییع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. .. صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست.<sup>۲</sup>

این هم یکی از خطوط اساسی است. مسئله‌ی عدالت اجتماعی، طرف‌داری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.<sup>۳</sup>

۱. ۷۶/۱/۱ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی

۲. بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا ۸/۱/۸

۳. ۹۴/۳/۱۴ بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله



## «مصرف‌گرایی»، جامعه را از پای درمی‌آورد.

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزه‌روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسئول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادیها بزنیم.

**جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه اول به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند.**

امروز در جامعه ما فقر وجود دارد. وظیفه ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة(۳)»؛ این وظیفه همه است. هر کدام به نحوی تجمل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم.

خانواده‌های بسیاری هستند که نه از روی تن‌پروری و تن به کار ندادن، بلکه به معنای واقعی کلمه محروم و مستمندند. باید اینها را شناسایی و پیدا کنید - کار مشکلی هم نیست - و به اینها کمک نمایید.

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه‌ی مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی

و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهایی که در این راهها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند!<sup>۱</sup>

## «قناعت»، فریضه‌ای انقلابی و رسمی اسلامی

جمع ثروت و عدم انفاق از نظر اسلام یک ضد ارزش و یک گناه و شاید یک گناه کبیره است. اینجور نیست که چون کار با سرمایه جایز و مباح هست، پس بنابراین انسان حق دارد - ولو از طرق مشروع و حلال - ثروتی را جمع کند و آن را نگه دارد، در حالی که جامعه به ثروت او و به امکانات او و به دارائی او احتیاج دارد، آن را در راه مصالح عمومی و در راه خدا خرج نکند؛ این جایز باشد و مباح باشد، چنین چیزی نیست.

**در اسلام انفاق یک اصل است؛** باید در راه خدا خرج کرد. نمی‌گویند معامله نکنید و تحصیل مال نکنید، بکنید، اما خرج کنید. اسلام مردم را عادت می‌دهد که آنچه را که به دست آورده‌اند، به قدر نیاز زندگی - نیاز متوسط، نه حالا با عسرت و فشار، نیاز معمولی و متوسط، ولو توأم با مقداری رفاه و آسایش و گشایش در روزی - برای خودش صرف کند و خرج کند، مادای او و آنچه زیاد می‌آید، باید در راه مصالح عمومی جامعه خرج بشود. اگر کسی ثروت را درآورد و آن را با اسراف، با خرجهای بیخودی، با زیاده‌روی‌های گوناگون، با تجمل، با اشرافی‌گری، با خوراک مسرفانه، با پوشاک مسرفانه، با مرکب یا منزل مسرفانه، همه‌ی آن را خرج کرد یا آن را نگه داشت و جمع ثروت کرد، این از نظر اسلام مذموم و منفور است؛ عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام است.<sup>۱</sup>

«الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ (۴)

آن کسانی که طلا و نقره را گنج می‌کنند، ذخیره می‌کنند و در راه خدا آن را انفاق نمی‌کنند - شاید طلا و نقره خصوصیتی نداشته باشد؛ آن کسانی که پول را، ثروت را، سرمایه را گنج می‌کنند و ذخیره می‌کنند و در حالی که نیاز مبرم جامعه به او هست، آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آن هم مشمول همین «يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ» باشد - آن وقت میفرماید: «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». اگر این گناه نباشد، اگر گناه کبیره نباشد، این «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» دیگر چرا؟ آنها را به عذاب دردناکی مژده بده؛ یعنی بگو که منتظر عذاب دردناک الهی باشند که این عذاب دردناک هم

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۵/۸/۶۶

میتواند در دنیا نتایج طبیعی اعمال سوء آنها باشد که البته فقط به خود آنها این نتایج بر نمی‌گردد، بلکه گریبان همه‌ی جامعه را میگیرد. و البته ممکن است عذاب اخروی باشد، که احتمالاً هر دوی اینها هم هست... متوسطین از مردم، بلکه ضعیفای مردم، فقرای مردم در راه‌های عمومی انفاق می‌کنند؛ اما صاحبان سرمایه‌ها و ثروتهای انباشته کمتر دستشان به سمت انفاق در راه خدا میرود. این در نظر اسلام و در جامعه‌ی اسلامی و در یک دولت اسلامی قابل قبول نیست

اما آنوقتی که جامعه احتیاج دارد، می‌بینیم که با آن پولی که این آقا صرف یک میهمانی می‌کند، صرف یک خرید بیجا می‌کند یا توی خانه، توی صندوقچه و گنجینه یا در بانکهای گوناگون نگهداری می‌کند، در حالی که به آن نیازی هم ندارد، یا آن را در معاملات نادرست و مضر برای جامعه مانند بعضی از خرید و فروشهای فسادانگیز مصرف می‌کند، معامله‌گری‌های بد و ناباب، این پولی است که اگر صرف در مصرف فلان واحد نظامی در جبهه‌ی جنگ بشود، کلی در وضع اینها تغییر ایجاد خواهد کرد و اثر خواهد گذاشت. یا اگر چنانچه صرف فلان پروژه‌ی عمرانی در کشور بشود، بخش عظیمی از مردم از آن استفاده خواهند کرد و از فقر رهائی خواهند یافت. خب، ما چطور می‌شود قبول کنیم که اینها کنز ثروت کنند و ثروتهای خودشان را نگه دارند و در راه خدا مصرف نکنند و آنها هم با وجود چنین ثروتهایی در آن وضع نابسامان یا وضع جنگ و بقیه‌ی امور در یک شکل نامقبول و نابسامان باقی بمانند و «بشّرهم بعذاب الیم» نباشد. واقعاً بایستی این افراد بشارت داده بشوند به عذاب الیم پروردگار. البته این یک حکم اخلاقی فقط نیست، بلکه بر اساس این، جامعه‌ی اسلامی و دولت اسلامی و ملت مسلمان بایستی برنامه‌ریزی هم بکنند.<sup>۱</sup>

این جانب از این که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم.

۱. ۶۶/۱۵ خطبه‌های نماز جمعه تهران

آنان که تجملات و زبیدی‌های غیرضرور و ولخرج‌مآبانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند به خود آیند و به انفاق روی آورند؛ و آنان که با سختی و تنگدستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل می‌کنند از این امر خسارت‌بار دست بکشند.

برای متمکین، میانه‌روی و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی، و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه‌ای انقلابی و رسمی اسلامی است.<sup>۱</sup>

---

۱. ۶۸/۹/۲ پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی

## همه، خود را موظف بدانند!

در دعای روزهای ماه رمضان میگوییم: «اللهم اغن كل فقير. اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان(۱)». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «أرأيت الذي يكذب بالدين. فذلك الذي يدع اليتيم. و لا يحضّ علی طعام المسكين(۲)». یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بیتفاوت باشد و احساس مسئولیت نکند. در ماه رمضان، به برکت روزه، طعم گرسنگی و تشنگی و نرسیدن به آنچه اشتهای نفس انسان است را درک کردیم و چشیدیم. این باید ما را به احساس مسئولیتی که اسلام در قبال مسأله مهم فقر و فقیر از یکایک مسلمانان خواسته است و بر دوش آنان وظیفه نهاده است، نزدیک کند.

البته علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکانپذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.

همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کم‌کرسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است.

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در

جامعه است. برای جامعه بالای بزرگی است که میل به مصرف، روزبه‌روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مُد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهایی که در این راهها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز میماند!<sup>۱</sup>

---

۱. ۸۱/۹/۱۵ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر

## «قناعت»، همان صرفه جویی صحیح است

خطاب من در درجه‌ی اول متوجه کسانی است که متمکنین به کشورند؛ دستشان به دهانشان می‌رسد و می‌توانند خرج کنند؛ می‌توانند گوشت، مواد غذایی، امکانات زندگی، محصولات مدرن، انواع و اقسام وسایل برقی و ماشینهای گرانقیمت تهیه کنند. «چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن». نگو من دخل دارم؛ این‌جا دخل شخصی ملاک نیست؛ دخل کشور ملاک است. وقتی که یک ملت مقداری درآمدش کم می‌شود، باید ملاحظه کنند. ما هر وقت به مردم گفتیم اسراف نکنید، اکثریت مردم - که طبقات متوسط هستند - گوش می‌کنند و اسراف هم نمی‌کنند؛ لیکن آن کسانی که باید گوش کنند - یعنی متمکنین و ثروتمندان که بسیاری از موارد، اسراف هم در بین آنهاست - کمتر گوششان بدهکار است. من حالا خطابم به آنهاست. لازم است که به مسأله‌ی قناعت - به معنای اسراف نکردن - اهمیت دهند. اسراف نکردن در مواد غذایی؛ چقدر مواد غذایی زاید دور ریخته می‌شود! حتی اسراف نکردن در مواد دارویی؛ چقدر مواد دارویی غیر لازم خریده می‌شود و به خانه‌ها برده می‌شود و بدون مصرف باقی می‌ماند! مواد اولیه و یا خود دارو را باید از خارج بخرند و بیاورند، یا در داخل باید با زحمت درست کنند. اینها ثروت و سرمایه‌ی مملکت است و از دست می‌رود<sup>۱</sup>.

صرفه‌جویی را شعار خودتان قرار دهید. صرفه‌جویی به معنای گدابازی نیست که بعضی بگویند چرا نمی‌گذارید مردم از نعمتهای خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده‌روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافی‌گری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضييع اموال عمومی و نعمت الهی است. **صرفه‌جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می‌گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده‌روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است.** اگر جامعه‌ای بخواهد قناعت و صرفه‌جویی را - که یک دستور اسلامی است - عمل کند، باید متوجه باشد که در شکل کلی به عدالت اجتماعی و مسأله عدالت پرداخته شود. برای این که بشود این راه را ادامه داد، همه و همه باید کوشش کنند...<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ۰۴/۱۰/۱۳۷۷. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

<sup>۲</sup> ۷۶/۱/۱. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی



## دام تکیف!

یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب - نه شعارهای انقلاب، شعارهای دوستانه‌ی خودمان در مجموعه‌ی رفاقتی و مجموعه‌هایی که با هم بودیم، با هم فکر می‌کردیم و کار و مبارزه می‌کردیم - «ساده زیستی» بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا! بعد که انقلاب، پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم.

امام بزرگوار ما خودش مظهر همین معنا بود؛ آدمی بود که تعینات دنیوی، حقیقتاً برایش ارزش نداشت. آدم این را در آن مرد معنوی و بزرگوار میدید که تعینات، تعلقات و تکلفات دنیوی، اصلاً برای خودش ارزش نداشت خود شما دنبال تکیف زندگی دنیایی نباشید و زندگی را ساده بگذرانید. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، شخصاً زاهدانه‌ترین زندگیها را داشت؛ اما در عین حال، مرتب هم کار می‌کرد، مزرعه را آباد و چاه آب، جاری می‌کرد، جهاد می‌کرد و کشور را اداره می‌کرد، حکومت به آن عظمت را ریاست می‌کرد، سیاستگذاری و سیاستمداری می‌کرد.

**همه باید مواظب باشند که به دام تکلفات و تعینات زندگی نیفتند و در اشرافی‌گری و اینها غرق نشوند. زینت دنیا را به قدری که خدای متعال قرار داده و مباح است، برای همه کس بخواهند.**

البته «المال و البنون زینة الحیوة الدنیا»، هیچ ایرادی ندارد. نه مال ایراد دارد، نه فرزندان ایراد دارد، نه مقام و اینها؛ لیکن غرق شدن در اینها، عمده کردن و هدف قراردادن اینها و خود را در تکلیفات و تعینات زندگی، منحصر کردن است که آسیب میزند. چنانچه اینها اصلاح بشود، ما امیدواریم که ان شاءالله مشکلی نباشد<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> ۷۷/۱۲/۱۵ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب

## ترویج زندگی تجملاتی ممنوع!

به فضای همدردی با فقیران دامن بزنید. خوشبختانه صدا و سیما در چند سال گذشته برنامه‌های بسیار خوبی در این زمینه داشته، که درخور تقدیر است. دغدغه‌ی عدالت را در ذهنها و دل‌های مردم دامن بزنید؛ این کار بسیار خوب است. البته سعی شود به جماعت فقیر و تهیدست اهانت نشود و کرامت انسانی آنها از بین نرود. من میبینم در بعضی از کارهایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، به‌طور دقیق این معنا رعایت می‌شود. آن پسر بچه یا دختر بچه‌ی که می‌آید هدیه‌ی بی‌فان فلان صندوق می‌دهد، حرفی از او پخش می‌شود که خیلی خوب و شیرین و لطیف است و در آن اهانت نیست؛ منتها در کنار دامن زدن به دغدغه‌ی عدالت اجتماعی و رسیدگی به فقرا، زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بی‌هوده را هم تخریب کنید؛ این زندگی واقعاً در خور تخریب است. **زندگی تجملاتی نباید به هیچ وجه ترویج شود؛ بلکه باید تخریب شود و نقطه‌ی منفی به حساب بیاید.** چرا بیخود تجمل‌گرایی رواج پیدا کند؟ اگر یک نفر دلش می‌خواهد متجمل باشد، ما چرا باید آن را ترویج کنیم؟ توجه کنید که ما به فقیر باید عزت نفس و حس مناعت بدهیم و به غنی باید کمک به فقیر را بیاموزیم. **به هر حال در کل زندگی جامعه، باید از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی نکنیم<sup>۱</sup>.** در همه‌ی مراحل بایستی میانه روی و قناعت و گرایش به روش متواضعانه و فقیرانه را فراموش نکرد که این نظر اسلام است.<sup>۲</sup>

.. در مقوله‌ی عدالت اجتماعی فیلمها و سریالهایی ساخته می‌شود که غالباً خانه‌های مورد استفاده‌ی شخصیت‌های این فیلمها اعیانی و اشرافی است! واقعاً وضع زندگی مردم ما این طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟! این کار چه لزومی دارد؟ سالها قبل بعضی از سریالهایی که از سیما پخش می‌شد، هرچند کیفیت آنها مثل سریالهای الان

<sup>۱</sup>. ۸۳/۹/۱۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما

<sup>۲</sup>. ۱۳۸۰/۹/۲۲ خطبه‌ی عقد

نبود - عقب‌تر بود - لیکن فضای زندگی در آنها، متواضعانه و در یک خانه‌ی معمولی بود؛  
آن طوری خوب است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . ۸۳/۹/۱۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما

## فرهنگ‌سازی به عهده‌ی رسانه‌هاست

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیات‌یاش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود.<sup>۱</sup> هنرمندان، زبان‌رسانی هنر را در خدمت انقلاب و اسلام به کار گیرند و این عطیه‌ی الهی را صرف تعالی افکار مردم کنند و هنر را از آمیزش با مظاهر زینبار فرهنگ بیگانه رها سازند. هنر را با حفظ تعالی آن به میان مردم برند و در ذهن و دل آنان وارد کنند و از شکل کالای تجملی و مخصوص گروهی خاص خارج سازند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> ۹۱/۶/۲ بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت  
<sup>۲</sup> ۶۷/۴/۲۳ پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره)

## «قناعت» را جدی بگیرید!

.. موضوع قناعت را جدی بگیرید. منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمتهای الهی نزنید و از آنها بهره‌مند نشوید. مقصود این است که حدّ و اندازه نگه دارید؛ زیاده‌روی و اسراف نکنید؛ نعمتهای الهی را ضایع ننمایید؛ که متأسفانه بسیاری می‌کنند. در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دستشان به نعمتهای الهی نمی‌رسد. نه به خاطر این که کم داریم. به خاطر این که بسیاری به خودشان حق می‌دهند که نعمتهای الهی را بی حساب و کتاب مصرف کنند؛ بی‌اندازه مصرف کنند؛ هیچ ملاحظه‌ای نکنند؛ هیچ حدی نگه ندارند و حتی نعمتهای الهی را ضایع کنند. چقدر نان ضایع می‌شود! چقدر غذای طبخ شده ضایع می‌شود! چقدر میوه مصرف نشده ضایع می‌شود و از خانه‌ها بیرون ریخته می‌شود! چقدر لباس زیادتر از اندازه لازم - چند برابر اندازه لازم - خریداری می‌شود و در خانه‌ها و صندوقها میماند، برای این که یک بار در مراسمی پوشیده شود! اینها اسراف است.

اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است؛ آنجایی که اسراف باشد و اسراف مال و اسراف نعمتهای الهی انجام گیرد، تضييع و تلف کردن نعمت است. تصمیم بگیرید این کار را نکنید. البته خانواده‌های کم درآمد، شاید وسعشان هم نرسد که بخواهند اسراف کنند؛ اما خانواده‌های پردرآمد و حتی بسیاری از خانواده‌های متوسط، متأسفانه اسراف می‌کنند. من این جمله را عرض کردم، برآن تأکید و پافشاری می‌کنم و خواهشمندم که ملت عزیزمان، این سخن را مورد توجه قرار دهند، به آن اهمیت دهند، برای آن حسابی باز کنند و سعیشان بر اسراف نکردن باشد.<sup>۱</sup> ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عاداتهای ما، سنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود.

۱. ۷۲/۱/۴ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر

در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی میزند، هم لطمه‌ی فرهنگی میزند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی میگذارد. بنابراین مسئله‌ی صرفه‌جوئی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده‌ی کشور را تهدید می‌کند.<sup>۱</sup>

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است.

چه جوری بخوریم؟

چه بپوشیم؟

چه بپوشیم؟

تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار می‌شود، این را کانه دور میاندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازبازی است که ما به آن دچار هستیم.<sup>۲</sup>

تا وقتی الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب را چه جور باید مصرف کرد، برق را چه جور باید مصرف کرد، نان را چه جور باید مصرف کرد، پول را چه جور باید مصرف کرد، تا اینها را درست مصرف نکنیم، راه‌های مصرف را ندانیم، مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند. باید ما اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنیم.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا ۸۷/۱

<sup>۲</sup>. بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا ۸۷/۱

<sup>۳</sup>. ۸۹/۱/۱ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

## مسئولین الگوی مردماند

عزیزان من! در کشور ما، اسراف زیاد می‌شود.<sup>۱</sup> ما امروز در بین مردم و کسانی که دستشان به دهانشان میرسد هم اسراف زیاد می‌بینیم، در خیلی از موارد اسراف وجود دارد؛ خطاب هم می‌کنیم به مردم، لکن این از جمله‌ی جاهایی است که «کونوا دُعاةً للناس بِغَیْرِ أَلْسِنَتِكُمْ».<sup>۲</sup> مجموعه‌ی مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه‌ی تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند: اسراف نباشد؛ الگوی مصرف، یک الگوی حقیقتاً عاقلانه، مدبرانه، اسلامی باشد.

ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی القا می‌کنند. بعد از آنکه سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که "اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت می‌کنند!" نه، به هیچ وجه این جور نیست، بلکه بعکس است؛ ما معتقدیم که اگر این سیاستها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد... ما به هیچ وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت و پاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است.

؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در دارو، اسراف در وسایل زندگی، اسراف در وسایل تحمل و آرایش و مانند اینها، بخش مهمی از منابع زنده‌ی کشور را هدر می‌دهد؛ این هم یکی از چیزهایی است که بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ مصرف خوب و درست، غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت و پاش کردن است.

این اسراف و زیاده‌روی و ریخت و پاش سرنوشت اقتصاد ملی را تعیین می‌کند.<sup>۳</sup> .. گاهی اوقات یک خرجهای زیاد، بیخود، بیجا - حالا آنجایی که غیر حرام است، اما زائد است؛ شاید زائد هم به یک معنا حرام باشد، اما بالاخره با آن صراحت حرام نیست، اما خرج زائدی است - جلویش باید گرفته بشود. و میتوان؛ از این طریق میتوان کارهای بزرگ و زیادی کرد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ۷۷/۱/۱ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی

<sup>۲</sup> مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

<sup>۳</sup> ۹۲/۱۲/۲۰ بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی

<sup>۴</sup> ۹۲/۶/۶ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

.. کسانی که اهل اسرافند بدانند، این اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش که در اسلام این‌همه مذمت شده است، سرنوشت اقتصاد ملی را تعیین می‌کند؛ اگرچنانچه از اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقدها، در عروسی‌ها، در بقیه‌ی مراسم و چه بقیه‌ی چیزهای دیگر پرهیز بشود، به اقتصاد ملی کمک می‌کند...<sup>۱</sup>

۱. ۹۴/۱/۱ بیانات در حرم مطهر رضوی



## «قناعت» یعنی توقف در حد کفایت

بعضیها خیال می‌کنند که قناعت مال آدمهای تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید.<sup>۱</sup>

اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم چشمی نشوید. خودتان را در دام مسابقه‌ی مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود. **این ظواهر زرق و برق دار زندگی شخصی، اینها هیچ کدام انسان را نه خوشبخت می‌کند، نه دلشاد و راضی می‌کند.** اصلاً انسان هر چه گیرش می‌آید، باز چیز بیشتری را می‌خواهد. در حسرت یک چیز بهتری است. **در شرع مقدس هست - العفاف و الکفاف - به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد.** این جور پیش ببرید.<sup>۲</sup>

این دو تا را بعضیها چرا با هم اشتباه می‌کنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشد و بتواند زندگیشان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچ کس. دلخوشی هم باید داشته باشند و آلاً زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. **اینها اصلاً راحتی نمی‌آورد، دلخوشی نمی‌آورد.**<sup>۳</sup>

توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه‌ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است.<sup>۴</sup>

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۱/۱

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۷/۲۰

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

## «قناعت»، ریاضت نیست!

عزیزان من! بنده ملت ایران را به «ریاضت» دعوت نمی‌کنم. بحمدالله ما احتیاجی به این نداریم که ملت خودمان را به ریاضت، دعوت کنیم. فضای غم‌آلود ریاضت، از زندگی این مردم دور باد! من مردم را به «قناعت» دعوت می‌کنم؛ قناعت سرافرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می‌داند آینده خود را با قناعت تأمین می‌کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسئولین کمک می‌کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداره مملکت اعمال کنند. .. ملت عزیز جداً از اسراف و زیاده‌روی پرهیز کنند. ما حق نداریم به عنوان یک ملت، مصالح بزرگ و ملی و دورنگر - بلکه مصالح نقد مهم و کنونی - خود را به خاطر خواسته‌های شخصی خودمان - که ما را به اسراف و بی‌بندوباری در مصرف می‌کشاند - فدا کنیم و آنها را ندیده بگیریم. همه باید مسأله صرفه‌جویی را جدی بگیرند. دولت هم باید صرفه‌جویی کند؛ ملت هم باید بکند. دولت، علاوه بر صرفه‌جویی بایستی راههای صرفه‌جویی را هم به مردم تعلیم دهد. تا وقت نگذشته است - تا ماههای اول سال، سپری نشده است - بایستی فهرستی از انواع صرفه‌جویی‌هایی را که مردم می‌توانند بکنند - در آب، نان، بنزین و در مصارف گوناگون و همه چیزهایی که برای صرف آنها مجبوریم از سرمایه‌های کشور و نفت مصرف کنیم - و راههای صرفه‌جویی در آنها را به مردم تعلیم و نشان دهند؛ مردم هم جداً سعی کنند که صرفه‌جویی نمایند<sup>۱</sup>.

۱. ۷/۱/۱ پیام به مناسبت حلول سال نو

## آنها که لغزیدند...

عزیزان من! کسانی که پایشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعائری بود، شعارهایی بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود اما در دلشان عمق نداشت. لذا در گذشته ما کسانی را دیدیم که آدم‌های خیلی تند و داغ و پُرشوری هم بودند، بعد صدوهشتاد درجه وضع این‌ها عوض شد. سال‌های اول انقلاب کسانی بودند -من با خصوصیات، آدم‌هایش را می‌شناسم؛ یعنی کلیات نیست- که افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی بودن و فهم درستش از انقلاب و از راه امام، نفی می‌کردند. بعد از گذشت مدتی، مشی این‌ها آن‌چنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آن‌ها که آدم‌های با انصاف‌تری بودند، صریحاً و بعضی‌شان ملتویاً و مزوراً انکار کردند. آدم‌های بی‌انصاف‌ترشان این‌ها هستند که به یک معانی‌ای هم تظاهر می‌کنند اما باطنشان این‌طور نیست. این به‌خاطر این بود که این‌ها عمق نداشتند. البته این یکی از عوامل است؛ یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال این‌هاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می‌کند. ...<sup>۱</sup>

.. از لغزشگاه‌ها بترسید. امام سجاد (علیه‌الصلاة والسلام) در دعای صحیفه‌ی سجادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا می‌کنند، از جمله‌ی چیزهایی که روی آن تکیه می‌کنند، این است که خدایا! یاد و محبت و علاقه‌ی به «المال الفتون» - مال فتنه‌انگیز - را از دل اینها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه‌انگیز است و خیلها را می‌لغزانند. ما آدم‌های درستی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به این‌جا رسید، لغزید؛ بنابراین خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا. این که در قرآن از اول تا آخر این همه به تقوا توصیه شده، معنایش همین مراقبت و مواظبت از خود است. نفس انسان، زیاده‌خواه است. ..مثلاً فرض بفرمایید آدمی خانه دارد، باز خانه می‌خواهد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می‌خواهد. ..<sup>۲</sup>

۱.. ۱۳۸۴/۷/۱۷ سخزانی در دیدار اعضای هیأت دولت

۲. ۸۲/۳/۲۷ بیانات در دیدار نمایندگان مجلس

## دعا

پروردگارا! آنچه را گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت و مقبول و مرضی خودت قرار بده؛<sup>۱</sup>

آنها را در دل ما مؤثر و کارگر بفرما؛<sup>۲</sup>

پروردگارا! ما را به فضل خود، به کمک خود، به لطف خود، به وعده خود، به آنچه که به مؤمنان و محسنان و صالحان وعده فرموده‌ای، روزبه‌روز نزدیکتر بگردان.<sup>۳</sup>

پروردگارا! ما را از جمله کسانی که به آنها سرباز دین و اسلام گفته می‌شود، قرار بده. و مرگ ما و زندگی ما را در راه خودت قرار بده.<sup>۴</sup>

پروردگارا! به محمد و آل محمد ضررهای اسراف و مصرف‌گرایی و منافع مواسات و رسیدگی به محرومان و مستمندان را برای یکایک افراد جامعه ما روشن بکن و آنها را به این کار موفق فرما.<sup>۵</sup>

پروردگارا! ما را در انجام دادن این وظیفه بزرگ و اساسی یاری کن.<sup>۶</sup>

والسّلام علیکم و رحمۃ اللّٰه و برکاته

۱. ۸۴/۷/۱۷.

۲. ۸۴/۷/۱۷.

۳. ۷۹/۳/۱۴.

۴. ۷۹/۳/۱۴.

۵. ۸۱/۹/۱۵.

۶. ۸۱/۹/۱۵.



قناعت از ماده قنح و به معنای زیاده طلبی نداشتن در خرج و همچنین به معنی صرفه جویی، طمع نداشتن و ضد اسراف کاری می باشد. به بیان دیگر می توان گفت: قناعت، رضایت به کم و حسن تدبیر معاش است بدون دوست داشتن زیاده از حد.

قناعت در فرهنگ غنی اسلام یکی از شاخص های بالندگی و عزت است. اگر در افراد جامعه ای فرهنگ غنی قناعت رواج داشته شود به مدینه فاضله ای که مد نظر اسلام است می رسیم. دیگر حق محرومان، مستضعفین ضایع نخواهد شد. در سایه چنین فرهنگی به جامعه معتدل و میانه رو دست پیدا می کنیم. همه به حق و حقوق فردی راضی هستند و دیگر ولع و طمع آنها را در دام خود اسیر نمی کند. چرا که هدف از زندگی اجتماعی رعایت حقوق دیگران و عمل کردن به وظایف اجتماعی است که با عمل کردن به دستورات دین انسان ساز اسلام، می توانیم به سر منزل مقصود برسیم.

این جزوه جستاری است در بیانات مقام معظم رهبری پیرامون این مفهوم



@JAHADGARAN